

بازگشت ترامپ به ریاست جمهوری امریکا و تأثیر آن بر جنگ یهود علیه غزه

(ترجمه)

به محض پیروزی نامزد جمهوری خواه، دونالد ترامپ، در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، اظهارنظرها، پیش بینی ها و گمانه زنی های بسیاری درباره تأثیر پیروزی او بر جنگ غزه آغاز شد. این پیش بینی ها ادامه نظراتی بود که پیش از پیروزی او مطرح شده بودند، اما اکنون با شدت و گستردگی بیشتری همراه شده اند.

ترامپ پیش از این، در جریان کمپاین انتخاباتی اش، تأکید کرده بود که برای پایان دادن به جنگ در غزه تلاش خواهد کرد و چیزی را که "صلح در منطقه" می نامید، برقرار خواهد ساخت و این تعهد را به رأی دهندگان عرب و مسلمان امریکا داده بود. او چند ماه پیش نیز خواستار پایان سریع جنگ اسرائیل علیه غزه شده و به نخست وزیر اسرائیل، نتانیا هو، گفته بود: «باید این کار را پایان دهی و آن را سریع انجام دهی.» او افزوده بود: «پیروزی ات را به دست آور و از آن عبور کن. جنگ باید متوقف شود، قتل باید پایان یابد.» در یک رویداد به مناسبت گرامی داشت هفتم اکتبر در فلوریدا، ترامپ تعهد کرد که «از حق اسرائیل برای پیروزی در جنگش علیه تروریسم حمایت خواهد کرد.» او افزود که اسرائیل باید «به سرعت پیروز شود، بدون توجه به آنچه رخ می دهد.» و رویکرد بایدن و هریس در قبال جنگ غزه را به دلیل ضعف و تردید مورد انتقاد قرار داد.

در نتیجه، ترامپ همانند بایدن و هریس، خواستار پیروزی اسرائیل در جنگ غزه است و هرکدام از آن ها برای حمایت از این رژیم تلاش کرده اند تا از دیگری پیشی بگیرند تا جایی که بایدن اظهار داشت: «برای صهیونیست بودن، لازم نیست یهودی باشید؛ من یک صهیونیست هستم.»

با وجود تمام حمایت های بی قید و شرطی که دولت جنایت کار بایدن در سال گذشته به رژیم اسرائیل ارائه کرد، به اسرائیل اجازه داده شد که جنگی وحشیانه را به تمام معنای کلمه به راه بیندازد. در این میان، پلی هوایی و دریایی از هواپیماها/طیاره ها و کشتی های حامل موشک ها و بمب های امریکایی ایجاد شد که شامل بیش از 300 هواپیما/طیاره و 50 کشتی با محموله ای بیش از 40 هزار تن از تسلیحات و مهمات بود؛ به طوری که تقریباً روزانه یک هواپیما/طیاره یا کشتی به کیان یهود(اسرائیل) ارسال می شد. بر اساس گزارش ها، امریکا 70 درصد از هزینه های جنگی را که اسرائیل از یک سال پیش آغاز کرده، تأمین کرده است. روزنامه واشنگتن پست گزارش داد که اسرائیل پس از یک سال جنگ با غزه، بیش از هر کشور دیگری از زمان جنگ جهانی دوم، کمک نظامی امریکا را دریافت کرده است؛ به طوری که ارزش این کمک ها از مرز 17 میلیارد دلار فراتر رفته است.

با تمام این حمایت ها و فراهم کردن پوشش کامل برای رژیم اسرائیل از سوی دولت بایدن، هم چنین تأمین امنیت آن در برابر مردم منطقه و فشار بر حاکمان برای پذیرش نقش محافظت از این رژیم در برابر مسلمانان خشمگین و آماده انفجار، حفظ مرزهای آن، ممانعت از هرگونه حمایت یا یاری رسانی به مردم غزه، و اعزام ناوگان دریایی عظیمی برای استقرار در منطقه به منظور حفاظت از آن؛ با تمام این اقدامات و بیشتر از آنچه ذکرش طولانی خواهد شد، نخست وزیر اسرائیل، نتانیا هو، از شکست حزب دموکرات به رهبری هریس و پیروزی حزب جمهوری خواه به رهبری ترامپ در انتخابات ابراز خرسندی کرد. پس او چه انتظاری از ترامپ دارد و چه چیزی باعث می شود او را به هریس ترجیح دهد؟

با توجه به موضع بایدن در طول سال گذشته در قبال رژیم اسرائیل و اظهارات ترامپ و عملکرد او در دوره ریاست جمهوری قبلی اش (۲۰۱۷ - ۲۰۲۱م)، روشن است که هر دو در میزان حمایتی که به اسرائیل ارائه می دهند و به بهای حقوق، جان و تکه پاره های مردم فلسطین و مسلمانان رقابت می کنند. هیچ یک از دیگری در جنایت علیه فلسطین و مردم آن کم ندارد. هر دو بر لزوم پیروزی کیان یهود (اسرائیل) در جنگ توافق دارند و در منافع استراتژیک امریکا در جهان و از جمله در خاورمیانه و فلسطین اختلافی ندارند. هر دو، رژیم کیان یهود (اسرائیل) را پایگاه و سرنیزه ای برای خود در قلب سرزمین های اسلامی و خنجرى سمی در قلب امت اسلامی می دانند و هیچ اختلافی در تلاش شان برای تضمین امنیت این پایگاه و احیای اعتبار و نقش تعیین شده آن ندارند.

اما مواردی وجود دارد که شاید مهم ترین عوامل اشتیاق نتانیاهو به پیروزی ترامپ باشند و نشان دهنده میزان خفت ما نزد آنان هستند. این موارد سه نکته کلیدی هستند:

نکته اول این است که ترامپ، همان طور که در دوره نخست ریاست جمهوری اش نمایان گشت، در مورد راه حل دو دولت و ترتیبات زمانی مربوط به عادی سازی روابط و حذف قضیه فلسطین جدی نبود. او چیزی را که به "معامله قرن" معروف شد، مطرح کرد که شامل برنامه عادی سازی روابط با حاکمان مسلمانان و توافقات ابراهیم بود. در آن زمان، او قبول یک کشور فلسطینی از سوی یهودیان را برای انجام عادی سازی شرط نگذاشت، بلکه این دو مسیر را به صورت هم زمان پیش برد و عادی سازی را به عنوان پاداشی برای راه حل دو دولت مطرح نکرد. او موفق شد چندین مورد از عادی سازی روابط را بدون هیچ پیشرفتی در زمینه راه حل دو دولت به دست آورد؛ و این دقیقاً همان چیزی است که نتانیاهو آرزو دارد، یعنی ورود به زنجیره ای از عادی سازی روابط با حاکمان مسلمانان که منافع استعماری، اقتصادی و اهداف مذهبی او را تأمین کند، بدون پیشرفت در زمینه راه حل دو دولت.

ترامپ هم چنین در دوره ریاست جمهوری اول خود انعطاف زیادی در قبال کشور فلسطینی از خود نشان داد و مانعی برای تلقی آن به عنوان حکومتی خودگردان نداشت و حتی پیشنهاد داد که پایتخت آن در العیزریه یا ابودیس باشد. او حاکمیت اسرائیل بر بلندی های جولان را به رسمیت شناخت، سفارت امریکا را به قدس منتقل کرد، و پیشنهاد ترسیم مجدد مرزهای کرانه باختری به منظور الحاق شهرک های بزرگ و منطقه غور اردن به اسرائیل را مطرح کرد. علاوه بر این، در طول مبارزات انتخاباتی اش به طور ضمنی احتمال اجازه گسترش مرزهای اسرائیل را مطرح کرد، چه به ضرر کشور فلسطینی و چه به ضرر کشورهای همسایه، از جمله اردن و مصر. او گفت: «مساحت اسرائیل به نظر کوچک می آید و همیشه به این فکر می کردم که چگونه می توان آن را گسترش داد.» و این دقیقاً همان چیزی است که نتانیاهو آرزوی آن را دارد و با رؤیاهای او همخوانی دارد.

موضوع دوم مربوط به جنگ در غزه و لبنان است. نتانیاهو در تمایل ترامپ به پایان سریع جنگ، فرصتی می بیند که به سرعت و بدون خسارت های چشم گیر، به تمام اهدافش در این جنگ دست یابد. او می داند که شخصیت ترامپ به او این امکان را می دهد که بر همه کسانی که در برابر طرح ها و خواسته های مقاومت می کنند، اعم از حاکمان و جنبش ها، فشار بیاورد و آن ها را تهدید کند. ترامپ از آن دسته افرادی است که برای دستیابی به اهدافش از نیروی سخت استفاده می کند، و همین مسئله ممکن است باعث شود که او به طرف های مؤثر در جنگ های جاری در لبنان، قطر، مصر، ترکیه، اردن، ایران،

عراق، یمن و سوریه فشار وارد کرده و آن‌ها را تهدید کند تا تمامی خواسته‌های امریکا را بپذیرند. مشابه آنچه رسانه‌های یهود این روزها از تصمیم قطر برای درخواست از مقامات ارشد حماس برای ترک کشور و بستن دفاترشان در دوحه می‌گویند. چه این اخبار درست باشد یا نباشد، بازتاب‌دهنده آرزوهای یهود از پیروزی ترامپ است. یهودیان در ترامپ توانایی لازم برای تحمیل سریع خواسته‌هایشان بر حزب لبنانی ایران را می‌بینند تا او را به عقب‌نشینی به سوی جنوب رود لیطانی وادار کرده و یا آتش‌باری و یا سلاحش را متوقف کنند. همین امر در مورد حوثی‌ها، ایران و مقاومت اسلامی در عراق نیز صدق می‌کند.

موضوع سوم که نتانیاهو را به پیروزی ترامپ علاقه‌مند می‌کند، مسئله هسته‌ای ایران است. ترامپ همواره رویکرد نرم‌گیرانه‌ی دولت بایدن را در این زمینه مورد انتقاد قرار داده است. او کسی است که تحریم‌های نفتی امریکا را علیه ایران اعمال کرد. این تحریم‌ها را از سال ۲۰۱۸م، پس از خروج از توافق هسته‌ای با ایران و قدرت‌های جهانی آغاز کرد. ترامپ گفته که واشنگتن نمی‌تواند به ایران اجازه دهد تا به سلاح هسته‌ای دست یابد و حتی بیان کرده است که «(اسرائیل) باید به تأسیسات هسته‌ای ایران در پاسخ به موشک‌های شلیک‌شده از سوی ایران حمله کند.» نتانیاهو در بازگشت ترامپ به قدرت، فرصتی جدی برای جلوگیری از تکمیل پروژه هسته‌ای ایران می‌بیند، چه از طریق اعمال فشارهای شدید، چه تحریم‌ها و چه اقدامات نظامی.

خلاصه این است که تمام مسائلی که رهبران یهود در آن با ترامپ توافق دارند یا با دولت بایدن اختلاف نظر دارند، در واقع جزئیات و چگونگی تحقق منافع امریکا و کیان یهود است. آن‌ها در اصل و اهداف پلید خود، که همان تضمین تداوم استعمار سرزمین‌های اسلامی، غارت منابع و ثروت‌های آن‌ها و جلوگیری از رهایی این کشورها از وابستگی است، مشترک هستند. همچنین، آن‌ها به دنبال تثبیت جایگاه رژیم یهود در منطقه هستند تا این رژیم قوی، پیشرفته و در خدمت منافع و اهداف استعماری غرب باقی بماند، چه این اقدامات تحت عنوان برقراری صلح و پایان جنگ‌ها باشد، و چه تحت شعار تضمین ثبات منطقه و جلوگیری از جنگ‌های گسترده.

تا زمانی که امت و ارتش‌هایش ابتکار عمل را به دست نگیرند و حاکمیت غصب‌شده خود را باز پس نگیرند، سرزمین‌های ما صحنه‌ای برای حضور استعمارگران خواهد بود، خون‌های ما مباح، مقدسات ما مورد تعرض، و خانه‌های ما در اشغال باقی خواهند ماند. تنها راه کمک به غزه، آزادسازی فلسطین، بازگرداندن عزت و کرامت به امت و پایان دادن به سلطه امریکا و یهود، برکناری حکام خیانت‌کار و تأسیس خلافت بر منهج نبوت است.

برگرفته از شماره 521 جریده الرابیه

نویسنده: استاد مهندس باهر

مترجم: محمد مزمل